پایان خودشان هستند و دنیاگرا هستند (00:04) مگر افراد کم اقلّیّتی که که اینها فریب نمی خورند اینها را خدا حفظشان می کند ولی معمولا مردم دنبال فرمانروایان خودشان می روند ودنیا گرایند وَیحَهُم[[1]](#footnote-1) اینجا وَیحَهُم فرموده وَیلَهُم نفرموده آخه چون هم ویل گفته می شود ویل در جایی است که توبیخ باشد و سرزنش و خشونت.ویل در راه دلسوزی باشد یعنی من دلم به حال مردان شما میسوزد أنّی زعزعوها عن رواسی الرّسالة تاسف و افسوس بر کار مردهای شما چه کاری کرده اند اینها آمدند خلافت را و حکومت اسلامی را از اون پایه و اساس محکمش تکان دادند منتقل کردند به جای سستی که اونجا استوار نمی تواند باشد وَیحَهُم أنّی زعزعوها عن رواسی الرّسالة اون کسی که پایه ی محکم رسالت بود یعنی امیر علی ؟ع؟ اونی که پایه ی محکم رسالت بود که کاخ حکومت بر او استوار بود از اونجا نقل دادند أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ وای این خسران و زیان و بدبختی دامن گیرشان شده و ما الّذی نقموا من أبی الحسن از ابوالحسن یعنی علی ؟ع؟ اینها چه خوردگی کردند؟ چه عیبی درش دیدند؟ که او را عقب زدند دیگران را روی کار آوردند نَقَمُوا مِنْهُ وَ اللهِ نَکِیرَ سَیْفِهِ، وَ قِلَّةَ مُبالاتِهِ بِحَتْفِهِ به خدا قسم دیدند او مرد عادلی است به عدالت عمل می کند او گوش به حرف کسی نمی دهد وَ تَنَمُّرَهُ فِی ذاتِ اللهِ در راه خداوند استوار است هرگز بر خلاف رضای خدا کار نمی کند دیدند با او نمی سازند اون کسی که مرد عادل محض باشد میدان به اونها نمی دهد که منافع مادیشان تامین بشود برای این بود او را عقب زدند اِسْتَبْدَلُوا وَاللهِ الذُّنابى بِالقَوادِمِ اینجا هم یک تشبیه خوبی شده به خدا قسم این مردم بالهای جلو را با پرهای عقب معاوضه کردند چون پرندگان گفتند بالهای جلویشان محکمه و خوبه با اون بال جلو پرواز می کند و قدرت دفاعی دارد و اعمال قدرت می کند با اون پرهای جلو پرهای عقب نه دیگه اونها به درد نمی خورند جای کثافات است و فضلات دیگه.اینجا تشبیه می کند باید اون جمعیتی به صلاح می رسند که پیشوایانشان جلو افتادگانشان اینها مانند پرهای جلو پرنده باشند که بتوانند قدرت اعمال به اعمال حیات هدایت داشته باشند روشنگری کنند و اینها عقب زدند اونهایی که بال و پر جلو بوده کنار زدند پرهای عقب را جلو آوردند یعنی هر جامعه ای چنین باشد انسانهای صالح و لایق را عقب بزنند افراد نالایق را روی کار بیاورد اینها نخواهند به سعادت رسید فَرَغْماً لِمَعاطِسِ قَوْم یَحْسَبُونَ اَنَّهُمْ یُحْسِنُونَ صُنْعاً بینی اون مردمی به خاک مالیده شود که خیال می کنند کار خوب انجام می دهند وَیحَهُم تاسف بر اینها أَفَمَنْ یَهْدِى إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ یُتَّبَعَ أَمَّنْ لاَّ یَهِدِّى إِلاَّ أَنْ یُهْدَى[[2]](#footnote-2)1 بعد آخرش هم فرمود که پیش اون جریانات بعدی را اشاره ای کرد اَمَا لَعَمْرِی لَقَدْ لَقَحَتْ، فَنَظِرَةٌ رَیْثَما تُنْتِجُ به خدا قسم این ناقه ی خلافت آبستن شده حمل از حرام برداشته به همین زودی خواهد زایید حالا صبر کنید تا بچه ی این ناقه بیاد بعد ببینید از پستان این شما چه خواهید دوشید به جای شیر خون تازه می دوشید اَمَا لَعَمْرِی لَقَدْ لَقَحَتْ به خدا قسم این ناقه ی خلافت آبستن شده فَنَظِرَةٌ رَیْثَما تُنْتِجُ منتظر باشید تا این که بچه بیاورد اون روز ظرف های زندگی شما را بگیرید و پر از خون خواهد بود به شما اعلان خطر می کنم وَ اَبْشِرُوا بِسَیْف صارِم، وَ سَطْوَةِ مُعْتَد غاشِم به همین زودی شمشیرهای بُرّنده بر گردن شما نهاده خواهد شد هرج و مرجی زندگی شما را خواهد گرفت که شما را درو می کنند نه برای شما دین می گذارند نه دنیا می گذارند و دیدند چند سالی بیشتر نگذشت که لشکر یزید ریخت تو مدینه و اون فساد را به بار آوردند چه غارتگری ها کردند چه آدم کشی ها کردند چه نوامیسی بر باد رفت از آینده خبر داد چنین خواهد شد حالا این چند جمله از خطبه ی نورانی صدیقه ی اطهر ؟ع؟ بود حالا ما چه جور اینها را همانطور که حضرت آقای سعیدیان می فرمودند ما اظهار محبت می کنیم به خاندان عصمت و ذکر فضائل هم می کنیم اما چه مقدار در راهشان داریم حرکت می کنیم چون ما که دور هم جمع می شویم فضائل ذکر می کنیم یا کلماتشان می کنیم منظور این که معرفت و آشنایی ما نسبت به اجل و جلالتشان بیشتر بشود در اثر این شناسایی محبت بیشتر بشود که فردای قیامت سرمایه ی ما همین هاست سرمایه ی زندگی ما شناسایی اونهاست و محبت اونها ولی همه چی از ما جدا میشود الان هر که داریم هر چه را که داریم از ما جدا می شود هیچی با ما نخواهد بود نه از انسانها نه از اشیاء هیچی.تنها اونی که با ماست علی امیر و آل اطهار ؟ع؟ است که در دعاها می گوییم لاَ تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ فِي اَلدُّنْيَا وَ اَلْآخِرَةِ [[3]](#footnote-3)2 یعنی خدایا در دنیا و آخرت ما را از اونها جدا نکن جدا نبودن در دنیا یعنی در راهشان رفتن جدائیشان به راه اونها رفتن تخلُّق به اخلاق اونها داشتن دیگه حالا زهرا ؟ع؟ الگو هستند اسوه اند حالا زنهای ما می گویند ما دختران زینبیم مثلا دختران زهراییم چه جوری از چه نظر خیلی ها خیال می کنند همین قدر که زینب ؟ع؟ مثلا رفته در مجلس مردها صحبت کرده همین برای ما یک الگویی بشود پس ما هم آزاد هستیم دیگه پس می توانیم ما هم برویم در مجلس مردها صحبت کنیم مثلا اما بقیه ی کارهاش دیگه نه همین یک بعد را بگیریم دختر زینب از این جهت باشیم مثلا اما همان زینبی که این را شنیده اید که اون همسایه اش گفت که من سالها همسایه ی دیوار به دیوارشان بودم در تمام این مدت نشد یکبار صدای او را بشنوم یا قامت او را در میان چادر ببینم. یکبار نشد دختر زینب این را می خواهم بگم این دیگه مال زینب نیست همان حرف زدن تو مجلس یزید همان بوده اینجا نیست که وقتی می خواست برود به زیارت قبر جد بزرگوارش شب می رفت که روز نرود شب می رفت تازه شب هم کوچه ها که روشن نبود چراغ برق که نبود که وقتی می خواست برود امام حسن ؟ع؟ از یک طرف امام حسین از یک طرف خواهر را همراهی می کردنند در مسجد که می رسیدند اول امیرالمومنین ؟ع؟ داخل مسجد می شد چراغی که در مسجد بود شمعی چیزیی بود خاموش می کرد وقتی که ازش پرسیدند فرمود که می خواهم کسی نباشد که قامت دخترم را ببیند دختران زینب اینها را نمی خواهند بفهمند اگر زینب ؟ع؟رفت در مجلس بردند در مجلس یزید خودش که نرفت به اسارت بردند اونجا وقتی هم که بردند دید حالا که آوردند باید حرف بزند وگرنه نهضت امام حسین از بین خواهد رفت اگر اون صحبت را که جنبه ی حیاتی داشت زنده کرد اسلام را اگر اون صحبت نبود که نهضت کربلا از بین رفته بود با رفتن نهضت هم دین از بین رفته بود زینب کبری ؟ع؟ احساس ضرورت کرد حالا که برده اند با اسارت باید صحبت کند که پرده های کفر نفاق را بالا بزند ولی عادی که نبود خودش رفته باشد حرف بزند چه حرفی بزند؟ اون حرفی که اون هم زده است پایه دین را محکم کرده. صدیقه ی کبری ؟ع؟ اگر شنیدیم رفت در مجمع عمومی مسلمین صحبت کرد برای احیای دین بود دید نمی شود الان دارند ظالمانه عمل می کنند و مردم نمی فهمند که اینها ظالمند نمی دانند که ایضاء کرده اند خشم و غضب به وجود آورده اند و خشم و غضب اونها لعنت بر اونها دارد و بعد هم شایستگی امامت و خلافت نیستند لازم بود تنها از شخص او لازم بود صادر بشود حتی اگر خود مولا هم می رفت صحبت می کرد موثر نبود او خودش برود با اون شرایطی که مردم می دانستند برود اظهار کند که من آزرده ام از دست اینها و غضب بر اینها دارم و غضب من غضب خداست بر اونها ایضاء من ایضاء خدا و رسوله ملعون دنیا و آخرتند صحبت اونها جنبه ی اساسی داشت نه حالا که زن برود هر چیزی در مجلس بنشیند و صحبتی هست اگر نگه چیزی به جایی نمی خورد نه گفتنش موثر چیزی هست نه نگفتنش اثری دارد مگر همان زهرا ؟ع؟ نبود که وقتی در حضور پیغمبر اکرم بود یک مرد نابینایی آمد اجازه ی ورود خواست تا خواست وارد بشود زهرا ؟ع؟ برخاست خودش را پوشاند و پدر گفت دخترم او که نابیناست او که تو را نمی بیند فرمود من که او را می بینم و شامه اش که بوی مرا استشمام می کند او را من می بینم و شامه اش بوی مرا استشمام می کند این کجاست یا این که این حرف از مد افتاده دیگر مثلا که رسول خدا وقتی از مردم پرسید  أیّ شیء خیر للمرأة؟ [[4]](#footnote-4)1چه چیز برای زن خوبه؟ کسی جواب نداد مولا جواب داد برود تو خانه از زهرا ؟ع؟ بپرسد خودش می داند ولی می خواهد جریان جوری بشود که از زبان زهرا بشنود این حرف را به زنهای عالم برسد که چه گفته شده فرمود برای زن چی خوبه بهترین چیزها کدام گوهر گرانبها زینت زن است؟مولا برخاست رفت داخل منزل از زهرا ؟ع؟ پرسید که پدر شما گفته چی خوبه؟فرمود أن لا تری رجلا ولایراها رجل بهترین زینت گرانبها برای زن اینه که جوری زندگی کند نه مردی او را ببیند نه او مردی را ببیند. عرض کردم این حرفها دیگه خیلی مد نیست در میان ما دیگه گفتنش هم خیلی مهم نیست چه طوره آیا اینها روش ما روش فردی ما روش اجتماعی ما جور میاد با این زندگی که اونها دارند؟ این آیه در سوره ی زخرف هست أَوَمَنْ يُنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ[[5]](#footnote-5)2 در سوره ی زخرفه در رد اون کسانی است که روی جهل و عدم معرفت به مقام ربوبیت و الوهیت معتقد بودند که ملائکه دختران خدا هستند این جور معتقد بودند از روی جهل و بی معرفتی این آیه نازل شده أَوَمَنْ يُنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ اون کسی که در زینت و آرایش پرورش می یابد و در میدان استدلال اقامه ی برهان قوت بیان و قدرت کلام ندارد آیا خدا او را به عنوان فرزندی خودش انتخاب می کند؟چون گفتن دختران خدا هستند دیگه دختر داری را برای خودشان ننگ می دانستند همین را به خدای سبوح نسبت می دادند یعنی اگر به فرض محال خدا می خواست که فرزندی برای خودش انتخاب کند از جنس مرد انتخاب می کرد که هم تفکر و تعقلش قوی هست بر احساساتش غلبه دارد و در میدان مخاصمه و استدلال قوت بیان قدرت کلام دارد که حداقل با خدا در تدبیر امور عالم یاور باشد نه از جنس زن که روحش روح آرایش طلبی و زینت خواهی و زیور نمایی است و در میدان مخاصمه و استدلال هم توانایی ندارد خود این آیه دلیل روشنی است بر علیه اون کسانی که هی می کوشند زنها را هم ، هم دوش با مردها قرار بدهند در همه مناصب عالیه که حتی مثلا قدرت قانون گذاری و تدبیر امور اجتماعی اینها را هم به دست اونها بسپارند در حالی که قرآن می گوید که أَوَمَنْ يُنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ اون موجودی که ساختمان وجودی اش ساختمان آرایش خواهی است زینت طلبی و زیور نمایی است و در مقام تفکر و تعقل و در میدان مخاصمه و اقامه ی برهان ناتوان آیا این موجود رواست که به مشاغل سنگین و پر اهمیتی مانند قانون گذاری مانند تدبیر امور اجتماعی قضاوت در امور حقوقی گماشته شود؟ اون کارهایی که بدون تدبیر احتیاجی به افرادی فوق العاده قوی فکر و قوی دل دارد مردانی که واقعا واجد روح مردانگی باشند که نه فریب زر و زیور دنیا را بخورند و نه در میدان فکر و سیاست ضعیف باشند چه در معده ی افکار قاهر دشمن هضم بشوند نه زن تبعا زینت خواه است در مقابل زینت رام است تبعا اینه در مقابل زینت رام است و در میدان نبرد فکری ناتوان او خلقتا اهلیت این گونه مشاغل ندارد ولو اینکه در میان زنها زنهایی پیدا می شوند که میلیونها مرد هم به گردشان نمی رسند این شکی درش نیست اما این افراد نادری هستند که به جنس زن و نوع زن مربوط نیست در عالم زنهای متفکر زنهای سخنور زنهای نویسنده زنهایی که مدبر خب هستند اما در میان هزار و ده هزار ده تا زن صدتا زن چنین پیدا بشود به نوع زن مربوط نیست ولذا با همه ی این عزمتی که صدیقه ی کبری ؟ع؟ دارد مقام نبوت به او داده نشده مقام امامت به او داده نشده در عین حال که مادر نبوته مادر امامته مفروض الطاعه پیش همه ی انبیاء هست که روایت داریم همه ی انبیاء موظفند که اطاعت حضرت زهرا ؟ع؟ کنند دیگه او مادر امامهای قاهر و قادر هست ولی در عین حال پیغمبری از جنس زن نیامده و امامی از جنس زن نیامده تا میدان باز نشود برای دیگران بخواهند زنها را در مناصبی که شأنشان نیست وارد کنند این توهین هم نیست این تحقیر به زن نیست بیان واقعیت مصلحته ، مصلحت جامعه در چی هست؟ نه اینکه حالا تحقیر توهین به زن بشود نه هر موجودی در مدار خودش باید حرکت کند تا به سعادت جامعه منجر بشود ولی دلبخواه نمیشه که و مسلم ما می دانیم تو زنها انقدر افراد موثر هستند حتی در اجتماعیات هم موثر هستند در سیاسیات هم موثر هستند اما در عین حال خلاف مصلحت مفاسدش بیش از مصالحش خواهد بود. چون مفاسدی هم کمانکه قبلا هم عرض میشد که در شرایط قمار خود قرآن با کمال تصریح گفته منافع دارد خمر منافع دارد قمار هم منافع دارد إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا[[6]](#footnote-6)1 یعنی حساب سنجشه نه این که منفعت دارد خب دیگه منفعت دارد مثل اینکه منفعت دارد باید در اجتماع رایج شود؟ نه. بلکه مفاسد را بسنجن با مصالح خواهند دید چون مفاسد بیشتره راه داده نمی شود به خمر و قمار پس این جوری ، این جور نیست که حالا هر چه که داریم منفعت باشد یک گوشه را ببینیم این منافعی دارد در این جا منافعی دارد در اون سیاست دارد در این اجتماع دارد خب کافی نیست چه کنیم این قرآن و این هم روایات ما در تحف العقول این روایت هست از رسول خدا نقل شده که فرمود لن یفلِحَ قوم ولّوا امرهم إمرأة اون مردمی هرگز به سعادت نمی رسند اگر زمام امور خود را به دست زنی بدهند لن یفلِحَ قوم ولّوا امرهم إمرأة خب این رستگاری را پیغمبر اکرم راهش را هم نشان میده به هر حال ما هستیم این روایات ما این نمی خواهیم که حالا دنیا ما را بپسندد یه وقت می خواهیم دنیا ما را بپسندد که چنینیم یه وقت می خواهیم که خدا ما را بپسندد به هر حال امروز صدیقه ی کبری ؟ع؟ با همه ی اون شدائدی که داشت سلما گفت که امروز به من فرمود آب بیار من خودم شستشو بدهم بعد خوشحال شدم که حالا خانوم حالشان بهتر شده امروز که آب برای شست و شو دادن می خواهند آب آوردم شست و شو داد خودش را بعد هم لباس خودش را عوض کرد لباس نظیف پوشید بعد به من فرمود که حالا بستر مرا در وسط اتاق بیافکن بستری نبود نه تشکی بود نه لحافی بود حتی دارند یک پوست گوسفند بود خودش فرمود از اون روزی که من خانه ی علی امیر آمدم یک پوست گوسفند فقط فرش ماست که شبها وارونه می کنیم اون سمتش می خوابیم روز هم روی اون علف به شترمان می دهیم بستر مرا در وسط اتاق بیافکن بعد صبر کن چند دقیقه ای گذشت مرا صدا کن اگر جواب ندادم علی را خبر کن بیاد.بستر را پهن کرد رو به قبله دراز کشید در میان بستر کسی است که هفتاد و پنج روز بیشتر بعد از پدر زنده نماند در همین مدت مَا زَالَتْ بَعْدَ أَبِیهَا مُعَصَّبَةَ الرَّأْسِ[[7]](#footnote-7)1 علی الدوام دستمالی بر سر بسته بود نَاحِلَةَ الْجِسْمِ دیگه جسمش آب شده بود پوست به استخوانش چسبیده بود بَاكِیَةَ الْعَیْنِ مُحْتَرِقَةَ الْقَلْبِ چشمها گریان بود قلب سوخته بود دیگه حالا جسمی ازش باقی نمانده بود وقتی که خوابید بعد چند دقیقه ای گذشت صدا زدم دیدم جواب نیامد جلو آمدم اون بالاپوش که روش بود کنار زدم به نظر من آمد که چراغ زهرا ؟ع؟ خاموش شد در همین حال بودم که حسن و حسین علیهم السّلام وارد شدند گفتند کجاست مادرمان؟ گفتم خوابه. گفتند این ساعت موقع خواب مادرمان میشه؟ هر دو با هم آمدند اتاق تا رسید امام حسین اول آمد روی سینه ی مادر افتاد نگاه کرد دید مادر از دنیا رفته برگشت به برادرش گفت برادر سرت به سلامت مادر ما از دنیا رفته بی مادر شدیم حسین ؟ع؟ پاهای مادر را بغل گرفت بنا کرد بوسیدن مادر من حسینتم با من حرف بزن امام حسن رو سینه ی مادر افتاد مادر من حسنتم قبل از این که جان از بدنم درآید با من حرف بزن اسما گفت آقا زاده ها بروید پدر را خبر کنید دویدند به سمت مسجد وقتی آقا را خبر کردند به قدری ناراحت شد امیرالمومنین که حتی دارد غش کرد اون کسی که به خانه می آمد فقط مایه ی دلداری اش زهرا ؟ع؟ بود بیرون که می رفت خون در دلش می ریختند به خانه که می آمد تسلیتش همین بود ولذا برخاست دو بار به زمین نشست تا به خانه بیاید با این که فاصله میان مسجد و هجره زیاد نبود وقتی وارد شد عمامه از سر برداشت عبا را از دوش خودش گرفت کنار زهرا ؟ع؟ نشست نمی دانیم آیا زهرا ؟ع؟ هنوز نفس داشت که علی امیر بالا سرش آمد یا نه چون می دانیم هر کسی از دنیا برود باید علی ؟ع؟ ببیند و جان بدهد حتما اون موقع زهرا ؟ع؟ در آغوش امیرالمومنین ؟ع؟ جان به جان آفرین تسلیم کرد و با رفتنش عالمی را غرق در ظلمت و تاریکی...

صلی الله علیک یا مولتنا یا سیدتنا یا فاطمة الزهرا

1. . الاحتجاج، ج 1، ص 288، ح 50 [↑](#footnote-ref-1)
2. 1 . سوره یونس، آیه 35 [↑](#footnote-ref-2)
3. 2 . البلد الأمین  ,  جلد۱  ,  صفحه۲۷۷   [↑](#footnote-ref-3)
4. 1 . بحارالأنوار ج43، ص84 [↑](#footnote-ref-4)
5. 2 . سوره ی مبارکه ی زخرف،آیه ی 18 [↑](#footnote-ref-5)
6. 1 . سوره ی مبارکه ی بقره، آیه ی 219 [↑](#footnote-ref-6)
7. 1 . مناقب ابن شهر آشوب، ج 3 ص 132 به بعد [↑](#footnote-ref-7)